

## بررسی مفهوم قوس نزول و قوس صعود یا مراحل زندگی انسان در جهان هستی

Mentazer Mentazer

### قوس نزول و قوس صعود؛ مراحل زندگی انسان از خدا تا خدا

در این درس می‌خواهیم دربارهٔ مفهومی فلسفی به نام قوس نزول و قوس صعود یا چرخه زندگی انسان در جهان هستی صحبت کنیم. مفهومی که اگرچه کمی پیچیده به نظر می‌رسد، اما بسیار جذاب است و ما بدون آن که از چیستی‌اش آگاه باشیم، بارها و بارها در طول روز از آن استفاده می‌کنیم. حتی همین الان که شما در حال مطالعهٔ این مبحث هستید، ضمیر ناخودآگاه‌تان برای درک محتوای این مقاله در حال استفاده از قوس صعود است. اما این فرآیند آن قدر سریع و نامحسوس اتفاق می‌افتد، که شما متوجه‌اش نمی‌شوید. اما قوس نزول و قوس صعود چه فرآیندی را در بر می‌گیرد و ارتباط آن‌ها با مراحل زندگی انسان چیست؟

هر مفهوم غیرمادی که در قلب ما وجود دارد، برای آن که تبدیل به لفظ شود و از دهان مان بیرون بیاید، مراحل را در نفس پشت سر می‌گذارد، که به آن «قوس نزول» می‌گویند. به طور مثال، عشق و علاقه یک مفهوم غیرمادی است، که جایگاه آن قلب است. این مفهوم برای آن که تبدیل به لفظ شود و به وسیلهٔ زبان قابل انتقال باشد، ابتدا به ذهن منتقل می‌شود؛ این مرتبهٔ اول نزول است. سپس ذهن برای این مفهوم دنبال الفاظ و عبارات مناسب می‌گردد؛ این مرتبهٔ بعدی نزول است. در نهایت نیز این الفاظ به صدا تبدیل می‌شوند و در قالب واژه‌هایی مثل «دوستت دارم» بر زبان ما جاری می‌گردند. این هم مرتبهٔ آخر نزول است.

اما «قوس صعود» چیست؟ قوس صعود در این مثال، در نفس مخاطب ما اتفاق می‌افتد. به این صورت که مخاطب این صدا را که از حنجرهٔ ما بیرون می‌آید، می‌شنود و آن را برای تجزیه و تحلیل به ذهنش که ماهیت غیرمادی دارد، می‌فرستد؛ این مرتبهٔ اول صعود است. ذهن او این عبارات را تجزیه و تحلیل کرده و مفهوم آن‌ها را درک می‌کند؛ این مرتبهٔ بعدی صعود

است. در نهایت نیز این مفهوم به قلب که آن هم غیرمادی است، منتقل می‌شود و مخاطب را تحت تأثیر کلام ما قرار می‌دهد. این هم پله آخر صعود است.

این مثال ساده‌ای از قوس نزول و قوس صعود در نفس انسان بود، که فرآیند آن را توضیح دادیم. همین فرآیند هنگام خلق آثار هنری نیز اتفاق می‌افتد. هنرمند برای آن که احساسات درونی‌اش را که ماهیت غیرمادی و عقلانی دارند به صورت شعر، داستان، نقاشی، موسیقی و... در بیاورد و به مخاطب منتقل کند، مراحل قوس نزول را در نفس خود پشت سر می‌گذارد. مخاطب نیز برای درک این مفاهیم مراتب قوس صعود را یکی‌یکی در نفس خود طی می‌کند. پس به طور کلی می‌توان گفت، قوس نزول و قوس صعود هنگام تبدیل تمام مفاهیم یا پدیده‌های غیرمادی به مادی و هنگام تبدیل همه پدیده‌های مادی به غیرمادی اتفاق می‌افتد. بر این اساس، کل نظام هستی که از آن به دایره وجود تعبیر می‌شود، هم یک قوس نزول و قوس صعود دارد، که در ادامه به شرح آن‌ها می‌پردازیم.

## مفهوم دایره وجود و مبدأ پیدایش موجودات

مجموعه نظام هستی از مبدأ تا معاد یک چرخه را تشکیل می‌دهد، که نزد عرفا و فلاسفه اسلامی به «دایره هستی» یا «دایره وجود» معروف است. <sup>۱</sup> البته این دایره را در ذهن‌تان مرزبندی نکنید؛ چون تا بی‌نهایت ادامه دارد و خروج از آن محال است. به عبارتی، این‌طور نیست که داخل دایره هستی جریان داشته باشد و بیرون آن عدم و نیستی باشد. کل جهان به صورت هستی یک پارچه، نامحدود و بدون مرز است و آغاز و پایان ندارد. چرا می‌گوییم خروج از دایره هستی محال است؟ چون اگر هستی در هر نقطه‌ای به پایان برسد، طبیعتاً بیرون آن یا هستی است، یا نیستی. اگر هستی باشد، که امتداد همین هستی است و اگر نیستی باشد، وجود ندارد. چون نمی‌شود یک چیز هم‌زمان هم باشد، هم نباشد. اگر نیستی «وجود داشت» دیگر نامش «نیستی» نمی‌شد!

عاقلان نقطه پرگار وجودند ولی عشق داند که در این دایره سرگردانند (حافظ) 1

از یک‌پارچه بودن و نامحدود بودن هستی یک نتیجه دیگر هم می‌گیریم و آن این است که هستی یکی بیشتر نیست. چون اگر دوتا هستی وجود داشته باشد، طبیعتاً بین آن‌ها فاصله می‌افتد. این فاصله را یا باید هستی پر کند، یا نیستی. نیستی که نمی‌تواند این فاصله را پر کند؛ چون وجود ندارد. اگر هم با هستی پر شود که هستی با هستی تفاوت ندارد. پس هستی یگانه و یکتا است. اما نام این هستی یکتا، بی‌نهایت و بدون آغاز و پایان چیست؟

این هستی یکتا و بی‌نهایت نامش «هو» است. «هو» کیست؟ هو همانی است، که همه ما سرگشته و عاشقش هستیم. همان بی‌نهایتی که تمام عمر دنبالش می‌گردیم و نمی‌دانیم در کجا باید پیدایش کنیم. همان که گاهی با ثروت، شهرت، قدرت، علم و... اشتباهش می‌گیریم. همان که میل بی‌نهایت‌طلبی ما از وجود او نشأت می‌گیرد. این موجود همان «هو» است: قُلْ «هُوَ» اللَّهُ أَحَدٌ، بگو، او همان خداوند یکتاست.<sup>۲</sup>

«هو» با «الله» چه فرقی دارد؟ «هو» وقتی تشخص پیدا می‌کند و با همه اسماء و صفاتش خودش را نشان می‌دهد، «الله» نام می‌گیرد؛ پس الله در واقع همان هوایی است، که تشخص پیدا کرده و برای بشر قابل فهم شده است. الله، هستی جاری در تمام اشیاء است، اما خودش قابل لمس و دیدن نیست. تمام پدیده‌های جهان نیز جلوه‌ها و ظهورات الله هستند و الله آغاز و پایان همه‌چیز است. به عبارتی، همه‌چیز از الله شروع می‌شود و در نهایت نیز به او ختم می‌شود. اما چگونه؟ موجودات چگونه از الله شروع می‌شوند و به او ختم می‌شوند؟ برای پاسخ دادن به این سوال باید به قوس نزول و قوس صعود در هستی رجوع کنیم.

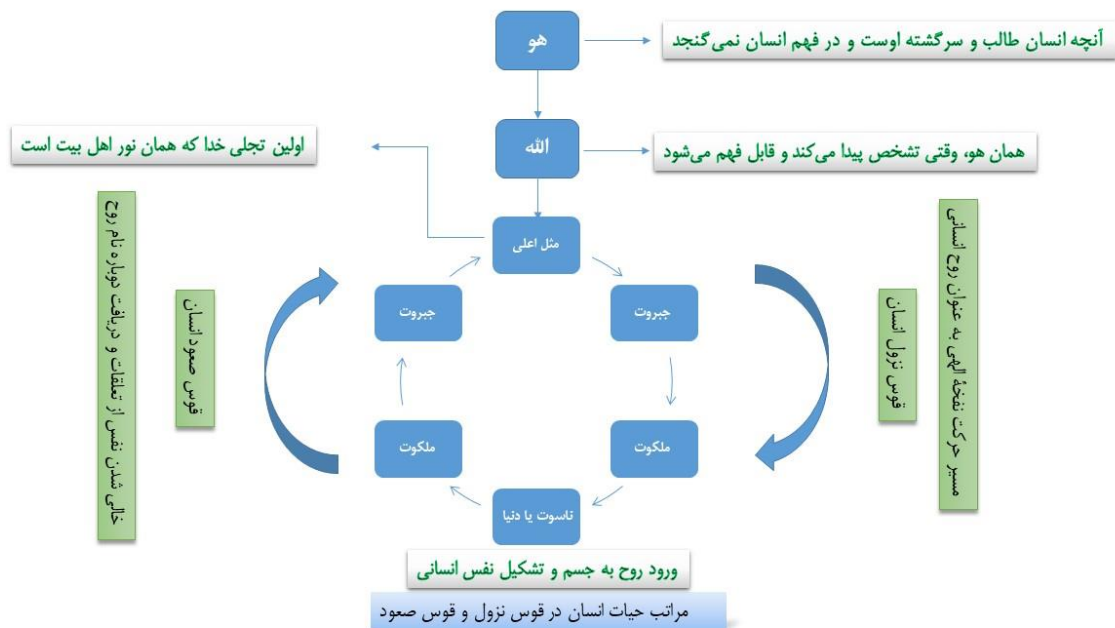
## قوس نزول در انسان و سایر اجزای هستی

سوره توحید، آیه 1 2

همان‌طور که در درس‌های گذشته گفتیم، خداوند (الله) همه موجودات و همه مراتب هستی را از یک مخلوق اولیه که در واقع اولین تجلی خود خدا محسوب می‌شود، خلق کرده است. این موجود که همه کمالات خدا را به‌طور کامل دارد، با نام‌های مختلفی از قبیل مثل اعلی، خلیفه‌الله، روح، نور اهل بیت (علیهم‌السلام)، لوح و قلم شناخته می‌شود. بنابراین، اولین مخلوق خدا منشاء و مبداء پیدایش سایر موجودات است. خداوند ابتدا از این موجود عالم جبروت را خلق کرد، سپس عالم ملکوت و در نهایت نیز عالم ناسوت، که به دلیل پست‌تر بودن نسبت به سایر عوالم «دنیا» نامیده می‌شود. این قوس نزول عالم هستی است. اما قوس نزول انسان به چه صورت است؟

نطفه انسان در عالم دنیا بسته می‌شود. بنابراین، برای این که انسان صاحب روح الهی شود و حیات پیدا کند، مثل اعلی باید مراتب هستی از قبیل جبروت و ملکوت را یکی‌یکی پشت سر بگذارد و مرتبه به مرتبه نزول کند، تا وارد عالم ناسوت شده و به جنین درون رحم تعلق بگیرد.<sup>3</sup> این اتفاق در حدود چهارماهگی می‌افتد و از آن به بعد جنین صاحب مقام خلیفه‌اللهی می‌شود؛ یعنی می‌تواند مظهر تمام اسماء، صفات و کمالات خداوند بر روی زمین باشد و به جایگاهی برسد، که حتی فرشتگان هم توانایی رسیدن به آن را ندارند. البته این توانایی به‌صورت بالقوه است و بسیاری از انسان‌ها به دلیل انتخاب‌های غلط و عدم تبعیت از مربیان حقیقی خود نه تنها به این مقام نمی‌رسند، بلکه گاه از حیوانات هم پایین‌تر می‌روند. این قوس نزول بود. حالا ببینیم قوس صعود و بازگشت به سوی خدا چگونه طی می‌شود؟

3 «إِذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَمُوا لَهُ سَاجِدِينَ» سوره ص، آیه 72



## قوس صعود انسان و بازگشت به سوی خدا

پس از آن که انسان وفات پیدا می‌کند، روح او از بدنش جدا می‌شود. وظیفه نفس ما در دنیا بریدن از تعلقات دنیا و کمک گرفتن از کمالات پایینی برای شبیه شدن به منشاء وجود است. نفس هر چه از تعلقات بیشتری جدا شود، بیشتر به هدف خلقت خود نزدیک می‌شود و بیشتر می‌تواند کمالات بالقوه وجود خود را به فعلیت برساند، پس از مرگ جسم نفس از تمامی تعلقات مادی بریده و دوباره لایق نام روح خواهد شد. بدن در عالم دنیا می‌ماند و روح همان مسیری را که آمده بود، برمی‌گردد و وارد عالم برزخ یا ملکوت می‌شود. از این زمان به بعد تا زمان برپایی قیامت روح همه انسان‌ها در برزخ خواهد زیست. پس از برپایی قیامت که پنجاه هزار سال طول می‌کشد، مرحله دیگری از حیات روح آغاز می‌شود و بسته به میزان شباهت ایجاد شده در روح به منشاء وجود و شرایط زیستن در عالم ملکوت بهشت یا جهنم را تجربه خواهد کرد. این که هر کس در شمار کدام دسته قرار بگیرد، به نوع تولد او به برزخ بستگی دارد.

این درس خلاصه‌ای از قوس نزول انسان به دنیا و وقوس صعود انسان و روند بازگشت او به سوی خدا بود. در درس‌های بعدی، دربارهٔ انواع تولد به برزخ توضیحات بیشتری می‌دهیم. چنان‌چه دربارهٔ قوس نزول و قوس صعود که در این درس بیان شد، سؤال یا ابهامی دارید حتماً آن را با ما در میان بگذارید.

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer